



... اولین انسان از خاک آفریده شده است.



... در دو شماره قبل گفتیم:

مطلب فوق از آیات بسیاری در قرآن کریم استفاده می‌شود.

ولی ما به ذکر دو مورد آن بسنده می‌کنیم:

مورد اول آیه ۷ و ۸ سورة مبارکه السجدة بود که کیفیت بیان دلالت

آنها و جواب شبهه‌ای که شده است در دو شماره قبل گذشت و مطالبی که

برای توضیح لازم دانسته شد بیان گردید.

مورد دوم: آیه ۵۹ سورة آل عمران، قَالَ اللهُ تَعَالَى: إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللهِ كَمَثَلِ آدَمَ

خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.

همانا مثل عیسی در نزد خداوند مانند مثل آدم است که خداوند آدم را از خاک درست کرد

پس از آن باو گفت باش پس هست شد.



## اجمال استدلال:



در این آیه شریفه، کیفیت خلقت حضرت عیسی علیه السلام که برخلاف معمول افراد بشر، تنها از مادر و بدون پدر آفریده شده است، به کیفیت خلقت حضرت آدم که از خاک آفریده شده است تشبیه شده و این تشبیه بدین منظور است که همانگونه که آفریدن حضرت آدم از خاک، برخلاف معمول می باشد و در عین حال مطلب مسلمی است، همچنین آفرینش حضرت عیسی (ع) بدون پدر نیز مطلبی است مسلم و در برابر قدرت غیرمتناهی خداوند، هر دو یکسان و همانندند.

و معلوم است که معنای آفرینش حضرت آدم از خاک این نیست که در نهایت، اجزاء وجود او پس از تغییر و تحولات عادی و طبیعی از خاک درست شده است تا مبدئیت خاک برای آفرینش حضرت آدم مانند مبدئیت آن برای انسانها و یا حیوانات دیگر باشد، زیرا اراده چنین مبدئیتی، مقصود را در مورد مشبه (یعنی خلقت حضرت عیسی (ع) بدون پدر) تأمین نمی کند، بعلاوه آنکه، حضرت آدم در این مطلب، امتیازی بر انسانهای دیگر و یا حیوانات و گیاهان ندارد، زیرا همگی آنها — به این معنی — از خاک آفریده شده اند، بلکه وقتی مقصود از تشبیه تأمین می شود که آفریده شدن حضرت آدم از خاک، بطریقی غیر عادی و با مبدئیت نزدیک خاک برای آفرینش او مسلم باشد تا آنکه مسأله غیر عادی — خلقت بدون پدر و تنها توسط مادر — به مسأله دیگری که آن هم غیر عادی است — یعنی خلقت انسان از خاک نه از طریق توالد و تناسل — تشبیه گردد.

بنابراین این آیه مبارکه نیز بر غیر عادی بودن خلقت حضرت آدم (ع) دلالت دارد و بطور صریح و واضح می رساند که خاک، مبدأ قریب آفرینش او بوده است. و بالاتر آنکه، آیه شریفه دلالت دارد که مسأله آفرینش حضرت آدم از خاک، جزء مطالب بسیار روشن و مسلم است، در حدی که امکان آفرینش غیر عادی — خلقت انسان از مادر و بدون پدر — از طریق تشبیه به آن به اثبات می رسد.

پس آیه شریفه دلالت دارد بر این که:

اولاً: آفرینش حضرت آدم از خاک برخلاف نوامیس معمول طبیعت صورت گرفته

است.



ثانیاً: اینکه غیر عادی بودن آفرینش حضرت آدم، از مطالب بسیار واضح و روشن و مسلم می‌باشد.



توضیح بیشتر:

شکی نیست که حضرت عیسی از مادرش حضرت مریم (سلام الله علیها) بدون آنکه وی ازدواجی نماید، متولد شده است و این تولد، موجب اظهار دو عقیده نادرست و کاملاً متضاد درباره آن بزرگواران گردیده و هر دو عقیده در آیات متعددی از قرآن کریم، بازگو شده است.

اظهار نظر اول: از جمعی از یهودیان است که به حضرت عیسی ایمان نیاوردند و مادر معصومه اش را نَعُوذُ بِاللَّهِ به زنا نسبت دادند.

این اظهار نظر در همان روزهای اول تولد حضرت مسیح ابراز گردید و در آیاتی چند از سوره مریم ذکر شده است، آنجا که خداوند پس از بیان کیفیت حامله شدن حضرت مریم و وضع حمل او می‌فرماید:

فَاتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِيلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئاً فَرِيئاً - يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امراً سَوْءاً وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا. ۱

پس از آن، مریم، عیسی را برداشته نزد بستگان و فامیلش آورد، فامیلش گفتند ای مریم: همانا چیزی بزرگ و ساختگی آورده‌ای، ای خواهر هارون: نه پدر تو مرد بدی بود و نه مادرت زناکار. یعنی دست زدن به زنا از دختری مانند تو که از پدر و مادری خوشنام و غیرآلوده هستی، مورد انتظار نبود.

و سپس یهود دنبال این افتراء عظیم را رها نکردند، تا اینکه به خاطر همین بهتان، مورد غضب خدای بزرگ قرار گرفتند.

خداوند در شمار گناهان و ستم‌هایی که قوم یهود مرتکب شده‌اند می‌فرماید:

وَيَكْفُرِيهِمْ وَقُولِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا. ۲

و به خاطر کافر شدن یهود و به خاطر اینکه بر حضرت مریم نهمت بزرگی را بستند.

۱ - سوره مریم آیه ۲۷ و ۲۸

۲ - سوره نساء آیه ۱۵۶



این آیه شریفه می‌رساند که یهود درصدد تهمت زدن بر حضرت مریم بودند و قطعاً غرضشان آن بوده است که دامن او را ناپاک و عیسای مسیح (ع) را بوجود آمده چنین دامنی معرفی کنند تا شخصیت بزرگ او در میان مردم، ترور شده و بازار یهودیان رواج داشته باشد، چون مردم از کسی که از چنین دامنی بوجود آمده، ادعای پیامبری را نپذیرفته و او را فرستاده خدا ندانسته و از وی پیروی نخواهند کرد.

اظهار نظر دوم: نظر جمعی از پیروان حضرت مسیح است که او را مافوق مرتبه انسان دانسته و او را فرزند خدا، و معبودی که باید پرستش شود، بلکه خدا و پروردگار دانسته و نسبت به مادرش مریم اظهار نظر کرده‌اند که او نیز معبودی است که باید پرستش شود.

این عقاید گوناگون از ناحیه پیروان آن حضرت ابراز شده و در مواضع متعددی از قرآن کریم ذکر شده است:

الف: در آیه ۳۰ سوره توبه می‌فرماید:

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ.

و نصاری گفتند مسیح پسر خدا است، این گفتار آنها است (ننها) با دهانشان.

و از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که اظهار این نظریه از روی اعتقاد قلبی نبوده و تنها بر زبان گویندگان آن جاری می‌شده است، و قطعاً هوای نفس منشاء ابراز آن بوده است.

ب: در آیه ۱۱۶ سوره مائده می‌فرماید:

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتِ لِلنَّاسِ اتَّخِذُوا مِنِّي وَآمِي الْهَيْئِينَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ.

و هنگامی که خداوند گفت ای عیسی آیا توبه مردم گفته‌ای که من و مادرم را مورد پرستش قرار دهید نه خدا را؟! (عیسی) گفت (خدا) تو منزه‌ای من حق ندارم چیزی را که حق من نیست بگویم.

و بدون شك این پرسش از حضرت عیسی (ع) دلیل این است که جمعی از کسانی که خود را پیرو حضرت مسیح می‌دانند آن حضرت و مادرش را معبود خود دانسته و آن را به دروغ به گفته حضرت مسیح استناد می‌دهند.



ج: در آیه ۱۷ و ۷۲ سوره مائده می‌فرماید:

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ بْنُ مَرْيَمَ.

همانا کسانی که گفته‌اند خداوند، همان مسیح پسر مریم است کافر شده‌اند.

د: در آیه ۷۳ سوره مائده می‌فرماید:

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثُ ثَلَاثٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ.

همانا کسانی که گفته‌اند خداوند یکی از سه تا است، کافر شده‌اند و هیچ معبودی نیست مگر

معبود یکتا.

تا آنکه در آیه ۷۵ همین سوره می‌فرماید:

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ

الطَّعَامَ.

مسیح، پسر مریم، فرستاده‌ای (از جانب خدا) بیش نیست که قبل از او فرستادگانی آمده و

گذاشته‌اند و مادر او زنی بسیار راستگوست، هر دو آنها (مانند مردم دیگر) غذا می‌خورند (و

نیازمند غذا بودند).

از انضمام این دو آیه به یکدیگر به خوبی روشن می‌شود که جمعی از کسانی که

خود را پیرو حضرت مسیح می‌دانند، خداوند بزرگ و حضرت عیسی و مادرش، هر سه را

معبود مورد پرستش دانسته و «الله» را در ردیف آنها یکی از سه «إله» به حساب

آورده‌اند.

البته آیات شریفه‌ای که به آنها اشاره شد در هر دو قسمت به عنوان نمونه است و

گرنه در قرآن کریم آیات دیگری نیز هست که متعرض این دو اظهار نظر شده است.



#### خلاصه این قسمت

آنکه قرآن کریم در مورد حضرت عیسی و مادر بزرگوارش، دو نظریه مختلف و

کاملاً متضاد را نقل کرده است که گاهی مادرش را بغی و قهراً خود او را زنازاده

قلمداد نموده‌اند و طبعاً اینان از پیروان وی نیستند، بلکه یهودی بوده و به وی ایمان

نیآورده‌اند و گروه دیگر او را متحد با خدا و پسر خدا می‌دانند و یا هم او و هم مادرش

را مورد پرستش قرار داده و خداوند را نیز در عرض آنها و یکی از سه إله به حساب



می‌آورند.

البته هواهای نفسانی و هوسهای شیطانی در ابراز هر يك از دو نظریه مذکور قطعاً دخالت داشته است، ولی به خوبی روشن است که زمینه ساز هر دو نظر فوق، این بوده است که حضرت عیسی از مادرش متولد شده در حالی که مادر او شوهری نداشته است.

بنابر این مسأله تولد حضرت عیسی، بدون پدر، امری مسلم بوده است که هم یهود آن را می‌دانسته‌اند و هم پیروان خود حضرت عیسی، اما یهودیان برای انحراف اذهان مردم، آن را بگونه‌ای توجیه می‌کردند که صلاحیت رسالت حضرت عیسی را منتفی نمایند و منحرفین از پیروان حضرت عیسی نیز به گونه‌ای دیگر توجیه می‌نموده‌اند، ولی در هر حال اصل مطلب در میان قوم یهود و نصاری— که به حسب ظاهر تنها قومی بوده‌اند که اهل کتاب بوده و پیرو ادیان آسمانی اند— مسلم بوده است.

قرآن کریم هر دو نظریه را رد می‌کند:

قرآن کریم در مواضع متعدّد بطور تفصیل و یا به صورتی فشرده، با بیان کیفیت حامله شدن حضرت مریم و تولد حضرت مسیح، هر دو نظریه را رد می‌کند و در ضمن شرح واقعه، با استدلال قطعی، سستی پایه هر دو تفکر را آشکار می‌سازد مثلاً نسبت به رد اظهار نظر اول و بی‌پایه بودن آن در ضمن بیان داستان در سوره مریم به دو دلیل روشن اشاره می‌فرماید:

۱ — استدلال به عظمت قدرت خدا، در آنجا که می‌فرماید:

قَالَتْ اَتَىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشْرٌ وَلَمْ اَكْ بِغَيِّبًا قَالَتْ: كَذٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلٰى هٰٓئِنٖ ۱.

مریم (به فرشته‌ای که بشارت حامله شدن او را داد) گفت: کجا و چگونه برای من پسری خواهد بود در حالی که هیچ آدمی زاده‌ای به من دست نزده و من زنی زناکار نبوده‌ام، (فرشته) گفت: خدایت چنین گفته است که این کار بر من آسان است.

در اینجا خدای بزرگ به عظمت قدرت خود استدلال می‌کند که خدائی که بر همه



چیز توانائی دارد و قدرتش غیرمتناهی است و خستگی و واماندن در مورد او متصور نیست، آفریدن انسانی هم، تنها توسط مادر و بدون وساطت پدر، برای او کاری بس آسان است و نباید کسی که به قدرت عظیم خداوند معترف است، تنها به دلیل همسر نداشتن، مادروی را به زنا نسبت دهد.

۲ - استدلال به اعجاز حضرت عیسی، در آنجا که می‌فرماید:

فَأَسَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا؟ قَالَ: إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا كُنتُ حَيًّا!

پس مریم (در پاسخ نسبت زنائی که بستگانش به او دادند) به عیسی اشاره کرد (که شما پاسخ را از او بگیرید)، قومش گفتند چگونه ما با پسر بچه‌ای که در گهواره است سخن بگوئیم؟ عیسی (در همان حال که تنها چند روزی از تولدش می‌گذشت) گفت: همانا من بندهٔ خدایم خدا به من کتاب داده و مرا پیامبر گردانیده است و هر جا باشم مرا دارای خیر و برکت نموده و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش فرموده است...

و این سخنان متین و روشنی‌بخش از کودک چند روزه‌ای که در گهواره است، گواه صدقی بر طهارت دامن مادر و دلیل روشنی بر عظمت موقعیت و مقام فرزند او می‌باشد که قطعاً مورد لطف و رحمت خاص حق قرار گرفته و با نفع روح الهی، مادرش حامله گشته و او را به دنیا آورده و در کودکی و در گهواره، مقام پیامبری به او عنایت گردیده و جای هیچگونه شبهه‌ای در طهارت مولدش و شایستگی و عظمت مقامش نیست.

و در مقام ردّ اظهار نظر دوم نیز در سورهٔ مبارکهٔ مریم به شرح همین جریان استناد نموده و در آخر شرح داستان می‌فرماید:

ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.<sup>۲</sup>

این عیسی پسر مریم است، گفتار حقی که در آن شک می‌کنند، شایسته خدا نیست که فرزندی

۱ - سورهٔ مریم، آیهٔ ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ...

۲ - سورهٔ مریم، آیهٔ ۳۴ و ۳۵



بگیرد منزله است او، وقتی قضاء او به چیزی تعلق بگیرد تنها به آن چیز می‌گوید، باش، پس می‌باشد (وهستی پیدا می‌کند).

و همانطور که ملاحظه می‌شود، قرآن مجید در پایان شرح داستان با دو دلیل نظریهٔ دوم را که پیروان منحرف حضرت مسیح ابراز نموده‌اند رد می‌کند:

۱ — اینکه فرزند داشتن برای خداوند امکان ندارد، زیرا داشتن فرزند مستلزم نقص وجودی شخص و محفوف بودن او به خواص «امکانی» است، در حالی که خداوند از هر عیب و نقصی منزله بوده و «واجب الوجود» من جمیع الجهات است.

۲ — آنکه قدرت او در کمال عظمت و بدون نهایت است و هر چه را اراده کند، به مجرد خواست او به وجود می‌آید و برای چنین قادر متعالی، ایجاد انسانی بدون پدر مطلب تازه‌ای نیست تا نیاز به ساختن دروغ «پسر خدا بودن» باشد زیرا خداوند با قدرت غیرمتناهی‌اش همانگونه که مخلوقات دیگر را می‌آفریند همچنین حضرت مسیح را بوجود می‌آورد و همانگونه که موجودات دیگر فرزندان او نیستند، همچنین است حضرت عیسی.



#### خلاصهٔ کلام:

غرض از اطالۀ سخن آن است که ثابت شود در مورد حضرت مسیح دو مطلب ناحق شایع بوده و قرآن کریم هر دو مطلب را با شرح کیفیت باردار شدن حضرت مریم و متولد گشتن حضرت عیسی، رد کرده و ضمناً استدلالات دیگری را هم در اثبات کلام متعرض گردیده است.

آیاتی هم که در سورهٔ آل عمران قبل از آیهٔ مورد بحث<sup>۱</sup> در رابطه با جریان حضرت عیسی ذکر شده، شبیه آیات سورهٔ مریم و حاوی همان دو استدلال — در ردّ نظر یهود — نیز هست و همچنین متضمن نقل دعوت حضرت عیسی به توحید خداوندی با جمله: **إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ**<sup>۱</sup> می‌باشد که مضمون این جمله، دعوت به توحید در عبادت، به دلیل توحید در افعال است که چون تنها خدای بزرگ است که انسانها را

۱ — سورهٔ آل عمران آیات ۲۴ تا ۶۰

۲ — سورهٔ آل عمران آیه ۵۱، همانا «الله پروردگار من و پروردگار شما است، پس باید او را بندگی کنید.»





پرورش می‌دهد و به کمال می‌رساند، در این فعل کسی و چیزی شریک او نیست، پس باید تنها او را عبادت نمود و شرک در عبادت برخلاف فطرت و حکم عقل است. و با دقت بیشتر در این آیات تمام مطالب مذکور به خوبی روشن می‌شود.



نتیجه کلام:

با توجه به مطالب فوق — که در واقع اشاره‌ای به زمینه ورود و نزول آیه مورد بحث است — به خوبی روشن می‌شود که آیه مورد بحث که می‌فرماید: **إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ**، نتیجه گیری از بیاناتی است که در مورد کیفیت حمل و تولد حضرت مسیح فرموده و این تشبیه حضرت عیسی به حضرت آدم برای رد نظریه‌هود و منحرفین و نصاری ذکر شده است، که همانطور که آفرینش حضرت آدم غیرعادی است، آفرینش حضرت عیسی نیز غیرعادی است، پس همانگونه که آفریده شدن انسان از خاک بدون پدر و مادر ممکن است و در برابر قدرت غیرمتناهی خداوند بزرگ ناچیز می‌باشد، همچنین آفریده شدن انسان بدون پدر نیز ممکن است و در برابر قدرت و اراده الهی ناچیز است، بنابراین جا ندارد که بخاطر نبودن پدر، نسبت عمل زشت، به حضرت مریم داده شده و شخصیت حضرت عیسی زیر سؤال رود. همچنین همانطور که این آفرینش غیرعادی — در جایی که نه پدر باشد و نه مادر — سبب پسر خدا بودن و مانند آن برای حضرت آدم نشد زیرا او مخلوقی است که اراده و قدرت غیرمتناهی حق، او را به وجود آورده است — همانطور که دیگر موجودات را می‌آفریند — همچنین نباید نبودن فقط پدر نیز سبب شود حضرت عیسی را پسر خدا بدانیم و یا او و مادرش را معبود و مورد پرستش به حساب آوریم که همه اینان بندگان خدا و آفریدگان او هستند.

بنا بر این هدف از این تشبیه، استدلال است، استدلال به کیفیت خلقت حضرت آدم و تطبیق آن بر کیفیت خلقت حضرت عیسی و اثبات لوازمی در مورد او مانند لوازم خلقت حضرت آدم، و این تشبیه وقتی در محل خود قرار می‌گیرد و هدف از آن تحقق پیدا می‌کند که معنای خلق شدن حضرت آدم از خاک این باشد که حضرت آدم به طریقی غیرعادی از خاک آفریده شده است نه پس از طی مراحل و تغییر و تحولاتی به



صورت غذا درآمده و با طی مراحل دیگری جزء بدن حیوانی شده و از طریق توالد و تناسل معمولی، آدم بوجود آمده است، که اگر چنین باشد نمی‌تواند پاسخی برای هیچ‌یک از دو گروه و نه ردی برای هیچ‌یک از دو نظریه باشد زیرا در این صورت آفرینش حضرت آدم امری معمولی و عادی است و هیچ ربطی به آفرینش حضرت مسیح ندارد که به طریق غیرعادی از مادرش بدون پدر متولد گشته است.

بنابراین برای انسان شکی باقی نمی‌ماند که معنای آیه این است که حضرت آدم بدون طی مراحل عادی از خاک آفریده شده و خاک، مبدأ نزدیک آفرینش او است و حضرت عیسی در نزد خدا در این جهت که آفریده‌ای غیرعادی است مانند آدم است، مخلوقی است پاک و بنده خدا و آفریده او، نه مادرش بقی است و نه او پسر خدا و نه او و نه مادرش معبود مورد پرستش بلکه آنان مانند آدم همگی بندگان شایسته خدایند.



ثم انه لا يخفى عليك ان نتيجة سماع دعوى المحكوم عليه، ليس هو الاستيناف المصطلح في سونا هذا فان الاستيناف هو استدعاء تجديد النظر ولو من دون وجه بمجرد احتمال ان يحدث نظر جديد او تخفيف ونحو ذلك وهو امر لا يسوغه القضاء الاسلامي، اذا الاصل في القضاء هو النفوذ وحرمة نقضه كما عرفت.

و اما تسمع دعوى المحكوم عليه فيما اذا ادعى الاختلال في امر القضاء ومقدماته من ادعائه جور الحاكم في القضاء او اخذ رشوة او اعتماد على فسقة الشهود او عدم كونه اهلاً للاجتهااد والقضاء وغير ذلك. ومن المعلوم ان سماع دعوى المحكوم عليه في المحاكم العالية المجعولة من ناحية امام المسلمين لملاحظة احكام القضاة لا توجب توهيناً ولا تقاعد القضاة، بل يوجب ازدياد صيانة القضاء الاسلامي عن الانحراف والفساد كما يزيد في الامنية القضائية وبهذا زاد القضاء الاسلامي شرفاً وكرامةً.

الى هنا تم بحمد الله معظم ما في حول تجديد النظر في الحكم وحرمة نقضه، ارجو من الله تعالى ان يجعله نافعاً لاخواني المؤمنين وذخراً لي يوم ندامة النادمين، وما توفيقى الا بالله العلي العظيم.